



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۰۱



م. اسحاق نگارگر

## غرب و ارزشهای آزادی؛ دموکراسی و لیبرالیسم

در عتق من بشو و خاموش باش

تا نهانم داغ؛ چون کتشم نمایان ناله ام

(بیل)

کشورهای اروپایی با آغاز رنسانس مبارزه با استبداد و خودسریهای ارباب کلیسا را آغاز و گام به گام با سلطه کلیسا پیکار نمودند و اختناق آزادی را که به نام فرمان خدا بر جامعه تحمیل شده بود هدف مبارزه قرار دادند. صومعه ها؛ راهب خانه و راهبه خانه ها را بستند و نگذاشتند که کلیسا نیروی کار جامعه را از زندگی اجتماعی بیرون بیاورد و فلج نماید.

هرچند غربیان این ارزشها را اختصاص به جوامع غربی می دادند و هنوز در غرب دانشمندانی از قماش "ارنست رنان" وجود داشتند که می پنداشتند دیگر نژادها و به طور خاص نژاد سامی استعداد تمدن آفرینی ندارند و جوامع اروپایی باید مأموریت تمدن سازی این نژادها را به عهده بگیرند.

استعمار غرب با فرهنگ و زبان کشورهای مستعمره چه کرد بحثی دیگر است که اکنون من کاری بدان ندارم اما اصلاحات مذهبی و انقلاب فرانسه یک رشته ارزشهای فکری را به وجود آورد که چراغ راه دموکراسی و لیبرالیسم اروپایی شد.

جنگ بدبختانه داسی است که گل های لیبرالیسم و آزاداندیشی را از بوستان جامعه دَرُو می کند. عامه مردم با جنگ به مخالفت برمیخیزند و آن نیروهای جامعه که به فرمان بازارهای اقتصادی و حوزه های نفوذ اراده جنگ کرده اند در قدم نخست به پیکار لیبرالیسم و آزادی های فردی در جامعه های خود می روند. برای کسب امتیازهای متقابل رشوه ها می دهند و امتیازها می گیرند.

ژورنالیزم نقاد و جست و جو گر که درفش تلاش برای کشف حقیقت را بر شانه دارد با این گروه حاکم در می افتد و اشتباه این گروه حاکم همان یک چیز است که می پندارند که با کشتن یا زندانی کردن ژورنالیست جستارگر حقیقت را نیز می گشند. به هر صورت جنگ عمومی اول میان برخی از کشورها لیبرالیزم و دموکراسی را سخت صدمه زد و جوامع غربی هنوز از شر این زخم مهلک در پیکر فرهنگ خویش بهبودی نیافته بود که ازدهای فاشیزم هتلر در بزرگترین کشور اروپایی یعنی جرمنی سر بالا کرد و باز نوعی ریاکاری؛ مجامله و دروغگویی برحلقه های اداره کننده جامعه مسلط شد و در حالیکه دل ها همه همان فریاد بیصدای غریق بود که به خاطر انسانیت مجروح و کوفته شده «نه» «نه» میگفت بر زبان ها فریاد های بلند مبتنی بر دروغ «آری» ؛ «آری» طنین انداز بود. آری چنانکه یکی از دولتمردان انگلیس در شام سوم آگست ۱۹۱۴ یعنی شامی که آتش جنگ عمومی اول روشن شد گفته بود:

„The lamps are going out all over Europe; we shall not see them let again in our life time..“

## در اروپا چراغ ارزش ها

بعد از این جنگ میشود خاموش

ما درین زندگی نمی گیریم

شاهد صلح و عشق در آغوش

ما در افغانستان نیز ژورنالیست های گشته شده در راه حقیقت همانند "میرویس جلیل" و "اجمل نقشبندی" داریم که جان باختند ولی هیچ کس به قاتلان شان و یا حتی در باره قاتلان شان هیچ نگفت و اینک دیده می شود که بدبختانه گفته آن دولتمرد برتانوی راست بوده است و چراغ ارزش ها چنان خاموش گردیده است که قتل بیچاره "خاشقچی" نیز فدای معاملات تجارتنی می شود.

جناب دونالد ترامپ برای مردم از سودهای معاملات تجارتنی و نقشی که در استخدام نیروی کار امریکایی دارد؛ صحبت می کند و برتانیه؛ فرانسه و جرمنی نیز در صف مذنبین ایستادند و به زبان بیزبانی می گویند که تاوقتی از ما سلاح میخری و پولت را در کیسه ما می ریزی خون هزار "خاشقچی" فدای جفت برونت باد!

آیا چراغ لیبرالیزم و دموکراسی بیشتر از این هم در جهان خاموش خواهد شد؟ اگر چشم ها اسیر کیسه های پول و منفعت های اقتصادی گردد چراغ ارزش ها بدون گفت و گو خاموش خواهد شد. نگارگر ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۸ برمنگهم

